

ابوحامد محمد بن محمد بن احمد غزالی طوسی

حجة الاسلام زين الدين ابو حامد محمد بن محمد بن احمد غزالی طوسی در سال 450ه. ق/ 1058م متولد شد و در 505هـ/ 1111 م رخت از این جهات بریست.

حجة الاسلام زين الدين ابو حامد محمد بن محمد بن احمد غزالی طوسی در سال 450ه. ق/ 1058م متولد شد و در 505هـ/ 1111 م رخت از این جهات بریست. حاصل زندگی نسبتاً کوتاه این نابغه زنی دوران، تربیت شاگردان دانشمند و تألیف کتابهای علمی مفید بود. غزالی یکی از نوایغ ایران است که در قرن پنجم ظهور کرد. تا چند قرن هرچه علما و دانشمندان آمدند غالباً راویان آثار او بودند. نفوذ علمی و فکری غزالی در آثار مؤلفان و علمای بعد از او به خوبی نمایان و آشکار است. غزالی به اصطلاح علمای درایت و رجال از مجدّان رأس مأه یعنی از نوایغ بود که دوره زنی را تازه کرد و ظهور وی عصری جدید برآورد. غزالی در میان نوایغ ایران هم از نظر زندگی ظاهری و هم در حیات معنوی دارای مقام و هویت ممتازی است که نظیرش در تاریخ بشر به ندرت اتفاق افتاده است. خوشبختانه آثار علمی و تاریخی بسیاری از وی در دست داریم. کمتر تذکره زنی نگاری است که پس از وی آمده و به تفصیل یا اختصار چیزی درباره زنی وی نوشته است. مسلماً نمی زنی توان درباره زنی ایشان در این مقدمه زنی کوتاه حق مطلب را به جا آورد به همین خاطر از خوانندگان محترم عذر خواسته که بحر را در کوزه جای نتوان داد. آب دریا را اگر نتوان کشید *** هم به قدر تشنگی باید چشید

پدر غزالی محمد بن محمد مردی درویش و صالح و بی زنی بهره از سواد بود و در حدود سال 465 از دنیا رفت. او یکی از دوستان صوفی مشربش را که ابو احمد بن محمد راذکانی نام داشت وصی خود قرار داد و سرپرستی فرزندان خود را به او سپرد. وی فردی فقیر و گوشه زنی نشین بود ولی به پاس دوستی که با پدر غزالی داشت در تعهد وی همت گماشت و در پرورش این در یتیم لحظه زنی ای فرونگذاشت. غزالی از نوایغ زمان خود بود و بی زنی اندازه باهوش. در کودکی نزد احمد راذکانی علوم دینی و ادبی را فراگرفت. سپس به جرجان نزد امام ابونصر اسماعیل رفت و نزد او شاگردی کرد. بعد از مدتی غزالی دوباره از طوس به عزم تحصیل مسافرت کرد و به نیشابور که مرکز علمای خراسان بود رفت و نزد معروف زنی زنی ترین دانشمندان آن شهر، امام زنی زنی الحرمین ابوالمعالی جوینی به تحصیل پرداخت و متون جدل و کلام و مقدمات فلسفه را به خوبی بیاموخت. چنان که در میان چند صد تن شاگردان ابوالمعالی که همگی از علما و فضلاي دوران بودند بر همه تقدم یافت و امام زنی زنی الحرمین به داشتن چنین شاگردی به خود می زنی بالید. هنوز بیش از بیست و هشت سال از سن غزالی نگذشته بود که در علوم و فنون متداوله زنی زنی زمان خویش، ادبیات، فلسفه، اصول، حدیث، درایت، کلام، جدل، خلاف و غیره استاد به معنی حقیقی گردید، و در نیشابور دست به کار تألیف و تصنیف برد و همچنان ملازم استاد بود تا سال 478هـ که امام زنی زنی الحرمین درگذشت. پس از رحلت استادش از نیشابور هجرت کرد و در عسکر یا معسکر نزدیک نیشابور به وزیر نامدار ایران خواجه نظام الملک طوسی که محضرش پیوسته به وجود علما و فضلاي عهد آراسته بود پیوست. نظام الملک آوازه فضل و دانش غزالی را شنیده بود و از این رو مقدم او را گرمی داشت. غزالی در محضر او با علما و فقها مناظره و بر آنها غلبه کرد چنانکه همگی به مقام فضیلتش معترف شدند و روز به روز به مقام تقرّب غزالی در پیشگاه خواجه نظام الملک و پادشاه وقت سلطان ملک شاه سلجوقی افزوده شد و بر همه زنی زنی علما و دانشمندان برتری یافت. پس از هفت سال از مهاجرت نیشابور منصب تدریس نظامیه زنی زنی بغداد که بالاترین مناصب علمی آن دوره بود بدو محول گردید. مدت چهار سال در بغداد به تدریس و خطابه و وعظ و مناظره و تألیف و تصنیف اشتغال داشت. علما و فضلاي بسیار از محضرش استفاده می کردند و حدود سیصد تن از طلاب فاضل به حلقه زنی زنی درسش می زنی زنی نشستند و روز به روز بر عزت و حرمتش افزوده می زنی شد، چنان که آوازه زنی زنی شهرتش همه جا رسید و حائز بالاترین مقام علمی و منصب روحانی و دارای بزرگ زنی زنی ترین رتبه زنی زنی عزت و جلال گردید. حدود سه سال از آن مدت که در بغداد مشغول وعظ و تدریس بود، خود به مطالعه زنی زنی کتب فلسفه سرگرم و از رموز و دقایق این علم کاملاً آگاه شد. غزالی از سی و نه سالگی به بعد وارد مرحله زنی زنی جدیدی از زندگی شد که به کلی با قسمت ماقبلش تباین داشت. تحوّل در روح او به وجود آمد که همه چیز را عوض کرد. پس از آنکه در علم و شهرت و جاه و مقام دنیوی به حد اعلی رسید یک مرتبه از هر چیز و هرکس صرف نظر نمود. غزالی یک سال نیز در نظامیه زنی زنی نیشابور تدریس کرد. ایشان در طول عمر خود به نقاط مختلف جهان اسلام سفر کرد و در این دوران نیز به کسب علم و دانش و معرفت زنی زنی های زمان مشغول بود. غزالی به درخواست سلطان سنجر و خواجه نظام الملک از طوس به نیشابور آمد و در نظامیه به تدریس نشست و حدود یک سال به تعلیم و هدایت طالبان علم اشتغال ورزید و کتاب المنقذ من الضلال را که از کتب بسیار مهم اوست در نیشابور تألیف کرد و در آن وقت که این کتاب را می زنی زنی نوشت سنّش چیزی از پنجاه سال گذشته بود. این جوری می نویسد: **ثُمَّ أَنَّ اباحامد عادَ الی وطنه مُشْتَغِلاً بِتَعْبِدهُ فَلَمَّا صارتَ زنی زنی الوزارة الی فخر الملك احضره و سمیع کلامه و الزمه بالخروج الی نیشابور فخرج و درسَ ثُمَّ عادَ الی وطنه و اِتَّخَذَ فی جواره مدرسه و رباطاً للمتصوفة و بنا داراً حستة و غرسَ فیها بُسْتاناً و تشاعَلَ بِحِفْظِ القرآن و سمع الصّحاح**

یعنی غزالی پس از عهد سیاحت و ریاضت چندین ساله که در شام و بیت المقدس و حجاز گذرانده بود به وطن خود بازگشت و چون نوبت وزارت به فخرالملک این نظام الملک رسید وی را احضار کرد و سخنان وی شنید و او را وادار کرد تا در مدرسه و نظامیه و ای برای طلاب و رباط و خانقاهی برای متصوفه بنیاد نهاد و خانه و بستانی زیبا ساخت و خود به حفظ قرآن و درس حدیث اشتغال یافت.

غزالی در 54 سالگی يك بار دیگر برای تدریس در نظامیه و ای بغداد دعوت شد ولی نپذیرفت و در طوس ماند و همان جا در خانقاه و مدرسه و ای که دایر کرده بود به تربیت طلاب اهل علم ادامه داد. آنگاه که سرگرم این کارها بود و در شهر طوس که موطن و مولد وی بود بامداد روز دوشنبه چهاردهم جمادی الاخر سال (505هـ/ 1111م) بدرود زندگانی گفت و همان جا دفن گردید. بنابراین مولد و مدفن او با فردوسی درست در یکجا بوده است. آخرین سخن غزالی در دم مرگ این بود که اصحاب را به خلوص و اخلاص عمل وصیت می‌کرد؛ کرد همان اخلاصی که مولوی می‌گوید: «از علی آموز اخلاص عمل»؛ ابن جوزی در این باره می‌نویسد: «تَوَقَّى ابُوْحَامِدِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ رَابِعَ عَشْرِ جَمَادَى الْاُولَى وَ صَوَّبَ جَمَادَى الْاٰخِرَةَ كَمَا ذَكَرَهُ ابْنُ الْاَثِيْرِ وَ غَيْرُهُ مِنَ الْمُوْرَخِيْنَ مِنْ هَذِهِ السَّنَةِ (یعنی سنه خمس و خمسمائنه) بطوس وَ دَفِنَ بِهَا وَ سَأَلَهُ قَبْلَ الْمَوْتِ بَعْضُ اصْحَابِهِ اَوْصِيْنيْ فَقَالَ عَلَيْكَ بِالْاِخْلَاصِ فَلَمْ يَزَلْ يُكْرِرُهَا حَتَّى مَاتَ».

ابوالقاسم اسماعیل حاکمی (متوفی 529) که از هم درسان و دوستان وفادارش بود در وفات وی بدین دو بیت از قصیده این تمام تمثیل جست:

عَجِبْتُ لِبَصْرِ بَعْدَهُ وَ هُوَ مَيِّتٌ *** وَ كُنْتُ اِمْرًا اَبْكِي دَمًا وَ هُوَ غَائِبٌ
عَلَى اَنَّهَا الْاَيَّامُ قَدْ صِرْنَ كُلُّهَا *** عَجَائِبَ حَتَّى لَيْسَ فِيهَا عَجَائِبُ

مقبره و ای غزالی مسلماً تا قرن هفتم هجری یعنی زمان سبکی مؤلف طبقات الشافعیه معلوم و زیارتگاه عموم بوده است زیرا می‌گوید: «وَ مَشَهَدٌ يٰهَا يُزَارُ يَمَقْبَرَةَ الطَّابِرَانَ»؛ ابن سمعانی (ابوسعید عبدالکریم بن ابوبکر متوفی 512هـ) می‌گوید: قبر غزالی را بر ظاهر قصبه طابران زیارت کردم. ابن جوزی در کتاب الثبات عنه الممات نقل از امام احمد غزالی می‌کند که برادرم ابوحامد بامداد روز دوشنبه وضو گرفت و نماز گزارد پس کفن خواست و آن را بوسید و بر چشم نهاده گفت سمعاً و طاعه. سپس خود به سوی قبله دراز کشید و جان به جان آفرین تسلیم کرد. خلاصه اینکه غزالی در سال 450هـ/ 1058م تولد یافت و در 505هـ/ 1111م رحلت کرد این بیت درباره و ای وفات و مدت زندگانش معروف است:

نصيب حجة الاسلام زين سراي سپنج *** حیات پنجه و پنج و وفات پانصد و پنج

در وفات غزالی شعرای معاصرش مرثی عزا ساختند. خود غزالی نیز به واسطه و ای لطف طبع و صفای قریحه که مخصوص او بود گاهی به فارسی یا عربی شعر می‌ساخت:

ما جامه نمازی به سر خم کردیم *** وز خاک خرابات تیمم کردیم

شاید که در این میکده و ای دریا بیم *** آن عمر که در مدرسه و ای ها گم کردیم

گفتم دلا تو چندین بر خویشتن چه پیچی *** با يك طبیب محرم این راز در میان نه

گفتا که هم طبیبی فرموده است با من *** گر مهر یار داری صد مهر بر زبان نه

غزالی از دانشمندانی است که آثار و تألیفات بسیار به فارسی و عربی از خود به یادگار گذارده و جهانیان را از خرمن معارف و فضایل خویش بهره و ای مند ساخته است. خوشبختانه قالب آثار او هنوز موجود است و کمتر کتابخانه و ای است که چند اثر مهم از غزالی در آن وجود نداشته باشد. از این جهت او را سید المصنفین لقب داده و ای اند. غزالی نه تنها در سراسر جهان اسلام طی قرن و ای های متمادی مورد توجه اندیشمندان بوده بلکه در دنیای غرب نیز نزد اهل نظر و اندیشه از شهرت و اعتبار بالایی برخوردار است. بسیاری از آثار غزالی به زبان و ای های انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ... ترجمه شده و امروزه در دانشگاه و ای های مختلف دنیا تحقیقات ممتازی درباره و ای غزالی انجام می‌گیرد. از جمله این تحقیقات، آسین پالاسیوس کتابی در چهار جلد به نام روحانیه الغزالی تألیف نمود که بین سال و ای های 1934-1941 در مادرید منتشر شده است. مؤلف در جلد چهارم این کتاب از صفحه 385 تا 390، درباره و ای کتاب و ای های غزالی از هر لحاظ بحث کرده و دلایل خویش را در مورد کتاب و ای های وی بیان کرده است. دیگر، پژوهش ارزنده و ای های 1934-1941 در مورد غزالی و ای عنوان صحت مؤلفات منسوب به غزالی چاپ گردیده است و بسیاری از تحقیقات دیگر و سرانجام دانشمند مصری، دکتر عبدالرحمن بدوی، از مجموع پژوهش و ای های خاورشناسان باری می‌گیرد و به نگارش کتاب نفیس خود مؤلفات الغزالی می‌پردازد. نویسندگان قدیم نیز از غزالی و آثارش یاد کرده و ای اند: جمله: عبدالغفارین اسماعیل فاری نیشابوری (451-529هـ. ق)، مؤلف کتاب السیاق لتاریخ نیشابور، ابن عساکر، مؤلف تاریخ دمشق (499-571هـ. ق) که در کتاب تاریخ هشتاد جلدی خود از غزالی و آثارش یاد کرده است؛ ابوالفرج ابن الجوزی (508-597هـ. ق)، که درباره و ای غزالی و آثار و عقایدش در کتاب المنتظم خود گفتگو کرده است. ابن خلکان (608-681هـ. ق)، در کتاب و فیات الاعیان و ابناء ابناء الزمان شرحی درباره و ای غزالی آورده است، تاج الدین ابونصر عبدالوهاب سبکی (727-771هـ. ق) در کتاب طبقات الشافعیة الکبری مفصل و مشروح درباره و ای امام محمد غزالی و آثارش سخن گفته

است و ... درباره‌ی [zwnj&](#) آثار غزالی مقدمه‌ی [zwnj&](#) کتاب مؤلفات الغزالی دکتر عبدالرحمان بدوی مطالعه و بررسی شود.

- استادان غزالی:
1. ابو حامد احمد بن محمد راذکانی طوسی، اولین استادی بود که غزالی پیش او تحصیل فقه و ادب کرد. سبکی نام وی را در جمله‌ی [zwnj&](#) علمای شافعیه که میان 400-500 هـ. ق فوت شده‌ی [zwnj&](#) اند آورده است.
 2. ابونصر اسماعیل جرجانی، محمد بن ابوبکر احمد بن ابراهیم بن اسماعیل دومین استاد معروف غزالی در فقه و فن خلاف بود.
 3. امام [zwnj&](#) الحرمین ابوالمعالی جوینی، ضیاء الدین ابوالمعالی عبدالملک بن ابومحمد عبدالله بن یوسف جوینی (419-478 هـ. ق) در عصر خود بزرگ‌ترین علمای شافعیه‌ی [zwnj&](#) و اشعری مذهب خراسان شمرده می‌شود و بسیاری از علما و دانشمندان قرن پنجم هجری شاگردان او بوده‌ی [zwnj&](#) اند درباره‌ی [zwnj&](#) ی او گفته‌ی [zwnj&](#) اند: *دعو البس المعالی فهو ثوب *** علی مقدار قد ابی المعالی*
 4. حافظ ابوالفتیان، عمر بن عبدالکریم دهستانی رواسی، از استادان حدیث و مشایخ روایت غزالی بوده که ذهبی در تذکره الحفظ و سبکی در طبقات الشافعیه ذکر کرده‌ی [zwnj&](#) اند.
 5. ابوسهل حفصی مروزی، محمد بن احمد بن عبدالله، استاد و شیخ روایت خواجه نظام الملک بود. غزالی نیز در جوانی از وی سماع حدیث کرد.
 6. نصر بن ابراهیم مقدسی، شیخ شافعیه‌ی [zwnj&](#) ی شام متوفی 490 هـ. ق نیز از مشایخ روایت غزالی بوده است.
 7. محمد بن یحیی بن محمد شجاعی زوزنی، غزالی مدتی در زوزن نزد وی سماع حدیث می‌کرد. [zwnj&](#) کرده.
 8. ابومحمد عبدالله بن محمد بن احمد خواری از مردم خوار تهران از مشایخ روایت غزالی بوده.
 9. الحاکم ابوالفتح نصر بن علی بن احمد حاکمی طوسی، وی نیز استاد حدیث و از مشایخ روایت غزالی بود.
 10. ابوعلی فارمزی، فضل بن محمد بن علی از مردم فارمذ طوس از بزرگان عرفا و از مشایخ صوفیه‌ی [zwnj&](#) ی خراسان و شیخ طریقت غزالی و استاد وی در تصوف بود.
 11. ابوبکر نساج، ابوبکر بن عبدالله نساج از مشایخ صوفیه‌ی [zwnj&](#) ی خراسان و از راهنمایان امام محمد غزالی به تصوف بود.

شاگردان غزالی:

غزالی نادره‌ی [zwnj&](#) ی دوران خود بوده است. چهار سال در نظامیه‌ی [zwnj&](#) ی بغداد و یک سال در نظامیه‌ی [zwnj&](#) ی نیشابور رسماً تدریس کرد. در اوقات دیگر نیز جویندگان علم و دانش از محضرش استفاده می‌کردند. برای اطلاع دقیق درباره‌ی [zwnj&](#) ی شاگردان غزالی می‌توان به تذکره الحفظ، طبقات الشافعیه و مرآت الجنان مراجعه کرد. ما درباره‌ی [zwnj&](#) ی تعدادی از آنها توضیحی هرچند مختصر ارائه می‌دهیم.

1. امام محیی الدین محمد بن یحیی بن ابی منصور نیشابوری، از بزرگان شافعیه‌ی [zwnj&](#) ی خراسان و از مشاهیر شاگردان غزالی بود. ریاست علمی و روحانی نیشابور به او انحصار داشت مدتی در نظامیه‌ی [zwnj&](#) ی نیشابور و چندی در نظامیه‌ی [zwnj&](#) ی هرات تدریس می‌کرد و جماعت بسیاری از علما و فضلاء زمان شاگردان او بودند یکی از دانشمندان درباره‌ی [zwnj&](#) ی او فرموده:
*رفات الدین و الاسلام یحیا *** بمحیی الدین مولانا ابن یحیی
کان الله رب العرش یلقى *** علیه حسین یلقى الدرس وحیا*
2. تولد امام یحیی در سنه‌ی [zwnj&](#) ی 476 هـ و قتلش در ماه رمضان 578 هـ اتفاق افتاده است.
3. امام ابوالفتح محمد بن فضل مارشکی، از شاگردان غزالی بوده و در سال 549 هـ درگذشت.
3. ابومنصور محمد بن اسعد واعظ عطاری طوسی، معروف به حفده اصلاً طوسی و ساکن نیشابور بود. در طوس به خدمت غزالی پیوست و در حلقه‌ی [zwnj&](#) ی شاگردان او درآمد، تولدش در 486 هـ بود و در 537 وفات نمود.
4. ابن برهان فقیه ابوالفتح احمد بن علی، نزد غزالی و کیای هراس تحصیل کرد و از مدرسان نظامیه‌ی [zwnj&](#) ی بغداد شد. تولدش شوال 479 هـ و وفاتش بین 520، 518 اتفاق افتاد.
5. تاج الاسلام ابن خمیس، ابوعبدالله حسین بن نصر موصلی از شاگردان غزالی بود و در 522 هـ وفات یافت.
6. ابوطالب رازی عبدالکریم بن علی بن ابیطالب کتاب احیاء العلوم استادش را از برداشت و در فارس در حدود سنه 522 هـ یک سال کمتر یا بیشتر درگذشت.
7. ابوسعید نوقانی، محمد بن اسعد بن محمد ملقب به سدید در مشهد به ضبط سبکی در 556 به ظاهر مقدمه‌ی [zwnj&](#) ی شرح احیاء در حادثه غزان کشته شد.
8. ابو حامد اسفراینی، محمد بن عبدالملک جوسقانی اسفراینی در بغداد نزد غزالی تحصیل کرد.
9. ابوسعید محمد بن علی جاودانی عراقی، تولدش در سال 486 و وفاتش بین سال 538 تا 544 واقع شد.
10. خلف بن احمد نیشابوری، سبکی از ابن صلاح نقل می‌کند که وی پیش از استادش غزالی وفات یافت.
11. ابوالخطاب محفوظ بن احمد کلودانی از علما و ادبا و شعرا بزرگ عهد خود بود، در شوال 432 هـ. ق متولد شد و شب پنجشنبه 24 جمادی الآخر 510 وفات یافت و در مقبره‌ی [zwnj&](#) ی احمد بن حنبل کنار ابومحمد تمیمی به خاک سپرده شد. در المنتظم ابن جوزی (ج9) قصیده‌ی [zwnj&](#) ی 52 بیتی عربی از وی نقل می‌کند که در ضمن آن عقاید مذهبی خود را شرح داده و خلیفه عباسی المستظهر بالله را مدح گفته است:

دَعَّ عَنْكَ تَذْكَارَ الْخَلِيْطِ الْمُنْجِدِي *** وَ الشُّوْقِ نَحْوَ الْاَنْسَابِ الْخُرْدِ

ابوخطاب از جمله کسانی است که در نظامیه و بغداد به حوزه و تدریس امام غزالی می‌انگاشت و از تحقیقات او بهره مند می‌شد. (المنتظم ابن جوزی در وقایع سال 484).

از هم و درسان و معاصران و دوستان و هم و سفران غزالی می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: ابوالقاسم حاکمی طوسی اسماعیل بن عبدالملک بن علی، ابوالحسین عبادی مروزی اردشیر بن منصور، ابوالحسن محمد بن حاتم طوسی، قاضی ارجانی احمد بن محمد، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن احمد بن طاهر وزان، جارالله محمد بن عمر بن محمد زمخشری، حکیم عمر خیام عمر بن ابراهیم خیام، مسعود سعد سلمان، حکیم عثمان مختاری بهاءالدین ابوعمر عثمان بن عمر بن محمد غزنوی، امیر معزی نیشابوری، سنایی غزنوی ابوالمجد مجدود بن آدم، ناصر خسرو ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی مروزی، ابوالفرج رونی، لامعی جرجانی ابوالحسن محمد بن اسماعیل جرجانی دهستان، شهاب، سمقندی شهاب الدین، احمد بن مؤید نسفی، سمقندی، اسدی طهسه، ه ملک عماد زنه، ... منبع مقاله:

کرمی، میثم، (1389)، غزالی و شناسی، تهران: حکمت، چاپ اول.